

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

والصالحين والسلام على من لا نبي بعده

والصالحين والسلام على من لا نبي بعده

والصالحين والسلام على من لا نبي بعده

والصالحين والسلام على من لا نبي بعده

والصالحين والسلام على من لا نبي بعده

والصالحين والسلام على من لا نبي بعده

باری که گفت حاجت خود را عرض فرمائید که من
بدرستی شما را خواهم رسانم و چون از این شهر فرستادم
تو که بودی در این شهر بودی که گفت بیای تا طاعت نما
و در گفتند من خود را زار و زخمی و بیای تا طاعت نما
تو که گفت بیای تا طاعت نما و بعد از آن که من
گفتم که رسول الله شما را میفرستد تا این شهر را
رسیده و بعد از آن که من گفتم که رسول الله شما را
فرستاد تا این شهر را رسیده و بعد از آن که من
گفتم که رسول الله شما را فرستاد تا این شهر را رسیده

فرمودند که این عدد هزار و پانصد است و این

عدد هزار و پانصد است و این عدد هزار و پانصد

طبع می شود و این عدد هزار و پانصد است و این

عدد هزار و پانصد است و این عدد هزار و پانصد

طبع می شود و این عدد هزار و پانصد است و این

عدد هزار و پانصد است و این عدد هزار و پانصد

طبع می شود و این عدد هزار و پانصد است و این

عدد هزار و پانصد است و این عدد هزار و پانصد

طبع می شود و این عدد هزار و پانصد است و این

عدد هزار و پانصد است و این عدد هزار و پانصد

لایزال و طاق و در کوه آفتاب و در دریا و در آسمان و در زمین

در کوه و در دریا و در آسمان و در زمین و در کوه و در دریا و در آسمان و در زمین

در کوه و در دریا و در آسمان و در زمین و در کوه و در دریا و در آسمان و در زمین

در کوه و در دریا و در آسمان و در زمین و در کوه و در دریا و در آسمان و در زمین

در کوه و در دریا و در آسمان و در زمین و در کوه و در دریا و در آسمان و در زمین

در کوه و در دریا و در آسمان و در زمین و در کوه و در دریا و در آسمان و در زمین

در کوه و در دریا و در آسمان و در زمین و در کوه و در دریا و در آسمان و در زمین

در کوه و در دریا و در آسمان و در زمین و در کوه و در دریا و در آسمان و در زمین

در کوه و در دریا و در آسمان و در زمین و در کوه و در دریا و در آسمان و در زمین

فرمان حضرت سرشتی که در کتابی در میان ما بود
چون در باب هر یک از ام اول و در باب علم دوم در باب علم سوم در باب
عشق چهارم در باب علم پنجم در باب علم ششم در باب علم هفتم
در باب علم هشتم در باب علم نهم در باب علم دهم در باب علم
در هر دو مای ده هزار سال نور من تمام بود و نور من
کرد و نور من و نور من شده که ای نور حبیب من بود
در نور من بود آن که نیز در مان شده از حضرت سرشت
که ای نور حبیب من در این جهان بود نور من و نور من
بختی که در کتاب کتب و دست نوشته در هر یک از این

چکبید نه حکم خداست از این چکبید ملک نیست و جود

هزار و ده پنج ساجران آفریده باشند در این ملک

دسیرده هر سال شده دزد و دگر نه یک قطره نوران

از نرق چکبید از آن نورشنگان آفریده اند و دو قطره

نورین از چشم در است چکبید از آن چهره بل و سیاه نایل

آفریده شده و دو قطره نورین از چشم جب چکبید

از آن بسته افین و غار نایل آفریده شده و دو قطره

نورین از گوش راست چکبید از آن قطره اول قرص

دو قطره دوم کرسی آفریده شده و دو قطره ناک

از گوش چپ بکشد از آن قطره اول صبح و آخر قطره

و دم غم آفریده شده و هفت قطره نورین از گوش چپ

راست بکشد از آن هفت هفت آفریده شده و هفت

قطره نورین از گوش چپ بکشد از آن هفت و هفت

آفریده شده و از قطره هشتم شیطان آفریده شده و هفت

و هفت قطره نورین از گوش راست بکشد از آن

هفت آسمان آفریده شده و هفت قطره نورین از

گوش راست بکشد از آن هفت صبح زمین آفریده

شده و قطره نهم از همین بکشد از قطره او

و در قطره دوم ماه تابان از بیدار شدن آنها بفرمان

از دین انجمن از آن جمله سارا کانی از بیدار شدن

و در قطره نهم از دین است راسته بکند از قطره

اول و در قطره دهم از قطره دوم با درخت رفته و در قطره

سی و دوم از قطره چهارم بر قی و از قطره پنجم شود

اسرافین و از قطره ششم چنانچه از قطره هفتم چنان

و از قطره هشتم درخت طوبی و از آن بفرمان نمود و در

انجمن و از قطره دهم و چنانچه میوه دارد و در قطره

نهمین از دین است بکند از قطره دهم و از

دوازده قطره دوم از قطره ششم و هفتم
شیر و از قطره چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم
در دنیا است و از قطره ششم و هفتم و هشتم
آن روان شود و از قطره نهم و دهم و یازدهم
که تا کون و از قطره دهم و یازدهم و چهاردهم و پانزدهم
نامی نیست و از قطره دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم
و دوازدهم و سیزدهم از آنکه آن قطره اول از
دوازدهم و سیزدهم و از قطره سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
و سیزدهم و از قطره چهاردهم و پانزدهم و سیزدهم و چهاردهم

در قطره نهم کوسه شکر در شکرین علی بن سیدم که قطر

نهم باشد باین است که از آب است فرستاده بود و از قطر

ششم است که در صانع بنام علی بن سیدم و از قطر هفتم است

و از قطر هشتم حیوانان و از قطر نهم برندگان و از

قطره دهم خرندگان آفریده شده و دو قطره نهم

سینه بکشد از قطر اولی عاشقان و از قطر دوم

عارفان و از قطر سوم متعبدان و از قطر چهارم

و از قطر پنجم عالمان و از قطر ششم غازیان و از

قطره هفتم حیوانات و از قطر هشتم موشان و از قطر

نهم صابون و از قطره دهم گلاب از قطره سده دده

قطره نور من از زبان مبارک بکشد از قطره اول

نهم نهم و از قطره دهم قاشق و از قطره سیم

صابون و از قطره چهارم راضی و از قطره نهم

صاف و از قطره ششم متوکلان و از قطره نهم

مخلصان و از قطره هفتم مصفیان و از قطره نهم

فراوان و از قطره دهم شکران و ده قطره نور من

از دهانی مبارک بکشد از قطره اوای شکر و از قطره

دوم شکر و از قطره سیم عنبرین و از قطره

بهدم غیر خدا و از قطره خون کاسه بزرگ را بفرستد

یا قوت و از قطره جگر بر جان و از قطره شکر بر

و از قطره غم بر دل و از قطره دلم بر جگر یعنی مسکات

فرید بپوشد و بر آن حضرت و در رسید غم را که با غم آگین

علی ما هو طایف الخایم الموقوتة اما و بعد نما

باز غم را در زمان شده که با غم آگین لا اله الا الله قسم

بموضع روان شده تا هفتاد هزار سال این بگذرد تا شبته

بشد بگذرد زمان شده که با غم آگین غم خویش کرد و بگذرد

و عزت خود را بپوشد و در آن شده که خود اصول سه بپوشد

چون نام محمد شکر از بیست و هشتی است و اسیر محمد

نما و نام محمد سال و محمد و مانند بعد از آن فرمان در

رسید که با نام محمد در برود و قلم هر برود داشت و حکم شده

که کتب یا قلم قلم نوشت یا رب العالمین این چه نام است

که تیرا بر نام خود در برود و کردی حضرت خدا عزه جل

و بود که ای قلم اگر نام محمد بودی بخت طبع زبانی

و بخت آسمان و عرض و کرسی و بیع و قلم نیاوردی

ای قلم اگر نام محمد بودی خدای خود را از قلم نگردی

و کلام قلم بر لوح روان است و بافت دهر و بهال کلام

چون که بگویم بخت بدی که در میان

تمام کینه داشته شد باز فرمان

کرد این نام را قلم گفت ایسلام

چون نور محمد دره جو نبود جواب نداد

بگو دوستی نام خدا می جواب ده پس بخت

دادند که عیسی السلام خدا عطا برین

کرد گفت رفته اند و بر گانه و بزرگانی آن

را نه بود و درازی غرضها نقد کرده بود

با بار خدا ایام که جبهه حق نبرد

بیدار شد و گفت ای خداوند منا که در این عالم

از این همه درد و غم و اندوه و غم و غم و غم و غم

و خاک بعد از این زمان آید که ای نور محمد و آل محمد

نوحه در خیر آفریدم این دنیا را و در این دنیا

چرا که اختیار میکنی که بغیری از آتشکاران کم پسند

من روان شد برات رفته است دارد که گریه و غم

کرده و از من گفت السلام علیک ای آیه آسمان

علیک السلام و گفتی نور من گفت که کی میاید و چه

نور من کی میاید و گفت ای آیه آسمان تو چه میکنی

و این کتاب را در روز جمعه

در شهر تبریز در روز

پنجشنبه در روز

پنجشنبه در روز

پنجشنبه در روز

پنجشنبه در روز

پنجشنبه در روز

پنجشنبه در روز

پنجشنبه در روز

و حدیث است که نور من از آغایان شد

و بر باد رفت و بد که در کبر و عصبانیت کرده میرود

نور من گفت السلام علیک ای مایه و جواب از

داد علیک السلام تو گیتی نور من گفت کی بنده

خدای نوری و بانی بنده بنده منم نور من گفت نه می

تو چه کار میکنی باد گفت ایچنه مراد منست نور من گفت

بنده را خود با مراد کاری نیست بکنم که در خودم

عیب داری باد گفت ای نور محمد چه عیب دارم

نور من گفت تو بنده کریم پای و روی تو کس نه

بنده و گفت ای در محمد کوی عیسی و مرگش

استغفر بنده پر حجب است ای عیب خدا عز و

جلالت نوره من گفت چو که وحده لا شریک له

و الله اعلم ان محمدا عبده و رسوله و منیر

کلمه حق و مسلمان شد و خدمت بندگی فرمود

نور من از انجی روان شد بر آتش رفت آتش

دید که در کبر و عظمت کرده میرد و نور من گفت

السلام علیک ای آتش گفت تو گفتی نور

من گفت کی بنده خدای قوی و کی بنده خدا منم

نور من وکامی انشئی نور محمد کار معینی انشئی گفت
آنچه مراد منست نور من که است عبده را خود و یا مراد
کار منست بگو که نور خود چه عیب دارد و انشئی
گفت ای نور محمد چه عیب دارم نور من گفت کشته
تو آب هست و قوت تو باد است انشئی گفت ای
نور محمد مگر تو بی عیبی نور من گفت استغفر الله عبده
پر عیب است ولی عیب خود نسبت عیوبی نور
من گفت بگو که عیوبه که لا شریک له و انشئی
این محمد را عیوب و مراد سوله انشئی نیز که گفت

بعد از رفتن دولت است که من گفتم که این را

بفرستد و این است که خاک رفت و خاک و پدیده

چون که عجب ندارد و تو می گویی که این را

اسی خاک خاک گفت ملک سلاطین و این نور خدا

خداوندش آید و نور من نور انجا بنشیند و کائنات

خاک خدا بیجا بنشیند و خداوند پدید آید و نور

کار اختیار میکند خاک گفت من به چه باشم

که زیر پای تو عالم و حاکم من به اختیار میکنم که خاک

و تو را هم پس من خاک را و این را که گفت

است که در اول و آخر اختیار کردم و هر چند
که خدا بخواهد احاطه کرد و بعد از آن فرستاد
حضرت رب العالمین عرض کرد که باریک انترت تو
میدانی که من خاک را اول و آخر اختیار کردم پس
فرمود و صلی الله علیه و سلم که چون آدم بفرموده
الله علیه و سلم با فرزند آسم و آتش و باد و خاک آیدند
و هم جهان هر چهار را خمیر کردند از آن خمیر آدم علیه
السلام را با فرزند و فرزندان آدم صلوات الله
بر همه چهار طبع حاکی میباشند بعضی آبی بعضی آبی

بعضی را که بعضی را بشی پس طبع سنگین دارد

و اندک شکیه با وی اندک گیر اندک شکیه با

اندک جو اندک و احسن و بکنند و شکیه را میانه اندک

و شکیه را بشی اندک بخیل اندک و لیکن با مرد است اندک

و اما شکیه را شکیه اندک شکیه را شکیه اندک و با شکیه

و شکیه را شکیه با شکیه و شکیه را شکیه و شکیه را شکیه

و شکیه را شکیه با شکیه و شکیه را شکیه و شکیه را شکیه

و شکیه را شکیه با شکیه و شکیه را شکیه و شکیه را شکیه

و شکیه را شکیه با شکیه و شکیه را شکیه و شکیه را شکیه

و در ده طاعت فوقان هفتاد و یک مرتبه و ثواب و شکران

اول ثواب چهل و دوم ثواب سی و ثواب سی و نهم

پنجاه و نهم ثواب چهل و ثواب چهل و نهم

و در نامه اعمال او بنویسند و ثواب هفتاد و نهم

شهادت این باید جویند از دست کاروان گشته باشد

هر که این نامه را بخواند و در خانه خود بخواند

از دنیا نرود و حاجتی خود در بهشت نمیدهد و در بهشت

روایتی صحیح است که این صفت از پیشتر خود

نامه در خود بخواند و علی بن ابی طالب و مسلم بن الحجاج

مجلس سلطان محمد مغزونی حضرت امام محمد باقر علیه السلام

و گفت این صفت آفرینش بود که صلی الله علیه

و آله و سلم از امام اجل و پادشاه دینی امام محمد باقر

علیه السلام نقل کرده است و در حدیث خود در نسخه

نیمش او معتبر بود تا آنکه در کتابهای او این صفت

آفرینش را نیز محمد باقر علیه السلام در مطالع میکرد و غرض

حاصل شده و ثبت کرد این نسخه را سلطان محمد

مغزونی برسانم پس این بدست یک درویش

فرستاد ازین معنی سلطان محمود را خبر رسید

مجموعه پند و اندرزها با استقبال آید و کتب و آثار

روزگاری بسیار حاضر بود که این سخن را به پند و

مشقید نه خوشحال شد نه چون سلطان محمود

این سخن را بدست آورد و مشک را نه کرد و در پیش

را به برد و کج روی بدین بوی دمانید و دیگر از برای

و عوارض صراط بود و نه از کوه سفید و باغ صندل داده

کاوه و دویست شتر و قریبانی کرد و علایق و مشایخ و نصیحت

جمع کردند هر یکی را دعوات و خلعت های ماحره

دادند و این صفت آفرینش نور محمد مصطفی صلی الله

علیه وسلم در راهی پیش رو داشت نادون کرد

هم در این شت رسیدل علیه سلام را در خواب

دیدند و بفر فرمود ای سلطان جهان که صفت

نور من دیده شد و شادی تو بهشت را خوریدی

و بجای تو در قلعه است برکت صفت فرستیدی

من ترا خدی بخوانم هر که بنشیند با خود دارد این

ایمان آن بنده را هر شب ان بنده کائنات می کند

در شان این فرموده است الا ان اولیاء

الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون

در حدیث این بندگان در آید شنی که حق تعالی

در میان ایشان فرموده است. المذنبین یستحقون

عقوبة و از رسول الله السلام ضر است هر که

آفرینش نوزدین بخزند که خواندن نداند نشنود

و اگر نشنودن نخواند با خود دارد با صدق دل

و اعتقاد درست خدا بیگانه آن بند و را خدا

نواب بخشد که با که همه مومنان و زمان مومنان

برج مسکن بوده باشد یعنی در روی زمین و کوه

آسمان این با صدق دل باشد تو که در شهر

سوزانند و در حقیقت این ناله بر لبان نهد می

آید و نگار نمود که با محمد بهر که آفرینشی تو را

باشد آن پند را سلوات و رحمت خود فرست

و جعدان ثواب دهم اگر کسی هفتاد و چهار سال

برسته شب و روز در دعا و استعاذه باشد

هر روز روز دوازده بار گفته باشد و با کافران حرب

کرده باشد و اگر با خود دارد سحر ساحران و عتقا

و دشمنان بر روی کار کنند و هر که با خود در روز

میان هفت و اوج عجب نماند با محمد بهر گفته

آفرینش تو بخواند و در این ساعت با غسل بوی

باشد مصلحت و هزار نوشته به نیت ما از برای

بنده استغفار کند و گناهان آن بیده را از من

آفرینش خواهند و دعای ایشان در حق آن بنده

اجابت کنیم یا محمد هر که صفت آفرینش تو بگوید

و یا بر خود نکند و در آن بنده را در بهشت قرار

در بی حساب روزی کردیم و هر قدر که بخواهد

در بیت قیام باشد که حساب او را حجت نیست

داند و از هر کی در این قیام چندین ساله آید

باش که حق ندی و اندر دیگر ندی حق ندی و اندر

و حال عدل است و در زمان است بهر که است

آزاد نیست این نور نه حق که سیرا بدین که کند

و ندیم بعضی را از خاک آفریده ام و طبع او خاک

کنم باز در خاک بجا که کنم و بعضی را از باد آفریده

و طبع او باد کنم باز در باد بجا که کنم و بعضی را از

خاک آفریده ام و طبع او آب کنم باز در آب بجا که

کنم و بعضی را از خاک آفریده ام و طبع او آتش کنم

و باز در آتش بجا که کنم دیگر حق تعالی سیرا بدین که کند

محمد را در کمال خود آفریدم و سر محمد را در بخت تو

آفریده ام و جسم محمد را از عینا آفریده ام و بنی محمد را

از غیر حنیت آفریده ام و کوشش محمد را از عزمه

آفریده ام و لب محمد را از شبنم آفریده ام و دندان

محمد را از نور محمد آفریده ام و دلی محمد را از اخلاص آفریده

و بار و نهایی محمد را از قوت خود آفریده ام و خلق محمد را

از تشبیه آفریده ام و سینه محمد را از بافت بسته

آفریده ام و روده های محمد را از صبر آفریده ام و استخوان

محمد را از نور بخت آفریده ام و قدم محمد را از عینا

توسعه دهد که این است و پیش از این

مجلس و علم و دانش و در دست هم و در دست

و در دست و در دست و در دست و در دست

و در دست و در دست و در دست و در دست

و در دست و در دست و در دست و در دست

و در دست و در دست و در دست و در دست

و در دست و در دست و در دست و در دست

و در دست و در دست و در دست و در دست

و در دست و در دست و در دست و در دست

و این بندگان را بر پیشانی خود خواهند و حق تعالی توانست

پیغمبران روزی کند ثواب ذکر یا پیغمبر و پیغمبر

و عیسی پیغمبر و ابراهیم پیغمبر و اسماعیل پیغمبر و اسحاق

پیغمبر و یعقوب پیغمبر و موسی پیغمبر و هارون پیغمبر و ادریس

پیغمبر علیه السلام و جمله سید صدر و سید زده غیر از صلوات

را ثواب روزی کردند و ده هزار در چند بنام او

و در اینست بنا کرد انجم و آن بنده را ثواب صد بار

و چهار چاه و انصار بیان روزی کردند و چون

آن بنده را زکوة خیر و ثواب آن بنده روح و جان

و حضرت عیسی فرموده و بیستم اگر جنگی با او باشد
یک پیمان و برکت در میان و عیسی جانورانی است
همه از او پند و اندرز و جبرهای آن بنده
در وقت نزوح و در وقت آمدن مکه انوارش
نمودنم یا نعم هر که این صفت آفرینش بخواند
خانه کاخ دارد و در آن دزدان نمی توانند
خانه را آتش گیر و برکت در آن خانه بسیار باشد
این آفرینش نورانی را در وقت و حاجت بسیار
بخواند و هر که بخواند و بخواند و بخواند

کتاب فی الجنت علی برکت این نور بر سر حضرت محمد

مصطفی صلی الله علیه و سلم من غایت به جامع است

محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم در برده صلاح است

از دبدار پاک منور و شفاعت محمد مصطفی در رتبه

با نصیب کردانی و مرزبانان شفاعت حضرت

بنا بی غایم الزهراء بی غایت کبر نصیب کردانی

و انبیا می گویند کون کنند اری و عاقبت ما را با

جمع مسلمانان چه کردانی بینه و کرمه بخت تمام شده

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الذين هم خلائقنا
وخلدنا وحياتنا وموتنا
وحيثما نكون منهم
وحيثما نكون من غيرهم
وحيثما نكون من غيرهم
وحيثما نكون من غيرهم

وحيثما نكون من غيرهم
وحيثما نكون من غيرهم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَبِالْأَسْمَاءِ الْمُسَمَّوَاتِ وَالْأَسْمَاءِ الْمَسْمُومَاتِ

وَبِالْأَسْمَاءِ الْمُسَمَّوَاتِ وَالْأَسْمَاءِ الْمَسْمُومَاتِ

وَبِالْأَسْمَاءِ الْمُسَمَّوَاتِ وَالْأَسْمَاءِ الْمَسْمُومَاتِ

وَبِالْأَسْمَاءِ الْمُسَمَّوَاتِ وَالْأَسْمَاءِ الْمَسْمُومَاتِ

وَبِالْأَسْمَاءِ الْمُسَمَّوَاتِ وَالْأَسْمَاءِ الْمَسْمُومَاتِ

وَبِالْأَسْمَاءِ الْمُسَمَّوَاتِ وَالْأَسْمَاءِ الْمَسْمُومَاتِ

وَبِالْأَسْمَاءِ الْمُسَمَّوَاتِ وَالْأَسْمَاءِ الْمَسْمُومَاتِ

وَبِالْأَسْمَاءِ الْمُسَمَّوَاتِ وَالْأَسْمَاءِ الْمَسْمُومَاتِ

[The page contains several lines of extremely faint, illegible handwriting.]

Handwritten text in Arabic script, likely a manuscript or letter. The text is heavily obscured by a large, dark, rectangular redaction mark in the center. The visible text is arranged in approximately 12 horizontal lines, with some characters appearing to be in a different script or dialect. The overall quality is poor, with significant noise and artifacts.

[illegible]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَكَلَّمَ الْحَمْدَ لِي وَنَحْمُ

رَحْمَتِي لَا يَكُونُ أَبَدًا يَكُونُ

رَأْدُ الْعِلَالِ وَالْأَكْثَرُ سَبْدُ

الْحَبِيرِ وَمَوْعِدِي كَلَشِي

قَدِيرِ اللَّهُمَّ مَنْ عَلَى عَوْنِي وَعَلَى

أَلْهَمْنِي وَبَارِكْ وَسَلِّمْ

درگاهانی بود از برات شایسته و از کاه بود بر کوه و دریا

و در کاه بود از برات شایسته و از کاه بود بر کوه و دریا

و در کاه بود از برات شایسته و از کاه بود بر کوه و دریا

و در کاه بود از برات شایسته و از کاه بود بر کوه و دریا

و در کاه بود از برات شایسته و از کاه بود بر کوه و دریا

و در کاه بود از برات شایسته و از کاه بود بر کوه و دریا

و در کاه بود از برات شایسته و از کاه بود بر کوه و دریا

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

والصلاة والسلام على من لا نبي بعده

وبعد فقد حضر هذا الاجتماع

بمقراتنا العامة في يوم الاثنين

العاشر من شهر ربيع الأول سنة ١٣٩٠

هـ الموافق لـ ١٠ من شهر كانون الأول سنة ١٩٦٩

م ع

م ع

م ع

م ع

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة

والعلم الذي لا يحصى ولا ينقطع

والقدر الذي لا ينفذ ولا يهتلك

والعز الذي لا يذل ولا يهين

والجل الذي لا يذل ولا يهين

والعز الذي لا يذل ولا يهين

والجل الذي لا يذل ولا يهين

والعز الذي لا يذل ولا يهين

والجل الذي لا يذل ولا يهين

والعز الذي لا يذل ولا يهين

والجل الذي لا يذل ولا يهين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

(24)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

24

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

24

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

يَا شَهِيدَ الْإِيمَانِ يَا شَهِيدَ الْإِيمَانِ

يَا شَهِيدَ الْإِيمَانِ يَا شَهِيدَ الْإِيمَانِ

يَا شَهِيدَ الْإِيمَانِ يَا شَهِيدَ الْإِيمَانِ

يَا شَهِيدَ الْإِيمَانِ يَا شَهِيدَ الْإِيمَانِ

يَا شَهِيدَ الْإِيمَانِ يَا شَهِيدَ الْإِيمَانِ

يَا شَهِيدَ الْإِيمَانِ يَا شَهِيدَ الْإِيمَانِ

يَا شَهِيدَ الْإِيمَانِ يَا شَهِيدَ الْإِيمَانِ

يَا شَهِيدَ الْإِيمَانِ يَا شَهِيدَ الْإِيمَانِ

يَا شَهِيدَ الْإِيمَانِ يَا شَهِيدَ الْإِيمَانِ

الحمد لله الذي جعلنا من خلقه

مما يشاء من خلقه

وما يشاء من خلقه

وما يشاء من خلقه

وما يشاء من خلقه

وما يشاء من خلقه

وما يشاء من خلقه

وما يشاء من خلقه

وما يشاء من خلقه

وما يشاء من خلقه

[illegible]

لله على الدنيا حسبان وحسب

لله على الآفات والحسين لله

الذي علينا محزون عليه السلام

والسلام والحمد لله رب العالمين

لله والواقف والمؤمنين

على حسبان الدنيا وحسب

لله السلام والحمد لله رب العالمين

لهما أو ما كان لله

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله

الله والحمد لله الذي هدانا لهذا

الذي كنا لنهتدي لاهله

ما غفر لنا ذنوبنا

فقد همت ان نكفر بالله

من الناس وعلم ان الله

حوله لا يترك احد من

الخلق الا وله فضل

عظيم والحمد لله

[illegible]

الحمد لله الذي جعل في كل شيء
دلالة على قدرته وجلاله
وآياته وبرهانه وقدرته
وآياته وبرهانه وقدرته

بسم الله الرحمن الرحيم
والله اعلم بالصواب

مع القرب والاعتدال
على صفة محمد وآله
حياتنا يا محمد وآله

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
والذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والذي هدانا الله لعلنا نكون من
العارفين
والذي هدانا الله لعلنا نكون من
العارفين

والذي هدانا الله لعلنا نكون من
العارفين
والذي هدانا الله لعلنا نكون من
العارفين

والذي هدانا الله لعلنا نكون من
العارفين
والذي هدانا الله لعلنا نكون من
العارفين

والذي هدانا الله لعلنا نكون من
العارفين
والذي هدانا الله لعلنا نكون من
العارفين

والذي هدانا الله لعلنا نكون من
العارفين
والذي هدانا الله لعلنا نكون من
العارفين

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

اللهم انظر اعمال عبدك وخص

وکیل و دیگر افراد نساجی و عیس

وَسَاءَ هِيَ وَغَاوُ بَابُ اسْمٍ وَفِيهِ

شرف و سزا و عفو و عطا

مَنْ لَمْ يَمُتْ وَلا يَحْيَا

بایستی که ما در این باره با هم گفتگو کنیم

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين

الطاهرين
الذين هم خلائفنا
وآئتنا في كل عصر
وهم خير خلق الله

بشرنا في كل عصر
وهم خير خلق الله
بشرنا في كل عصر
وهم خير خلق الله

بشرنا في كل عصر
وهم خير خلق الله
بشرنا في كل عصر
وهم خير خلق الله

بشرنا في كل عصر
وهم خير خلق الله
بشرنا في كل عصر
وهم خير خلق الله

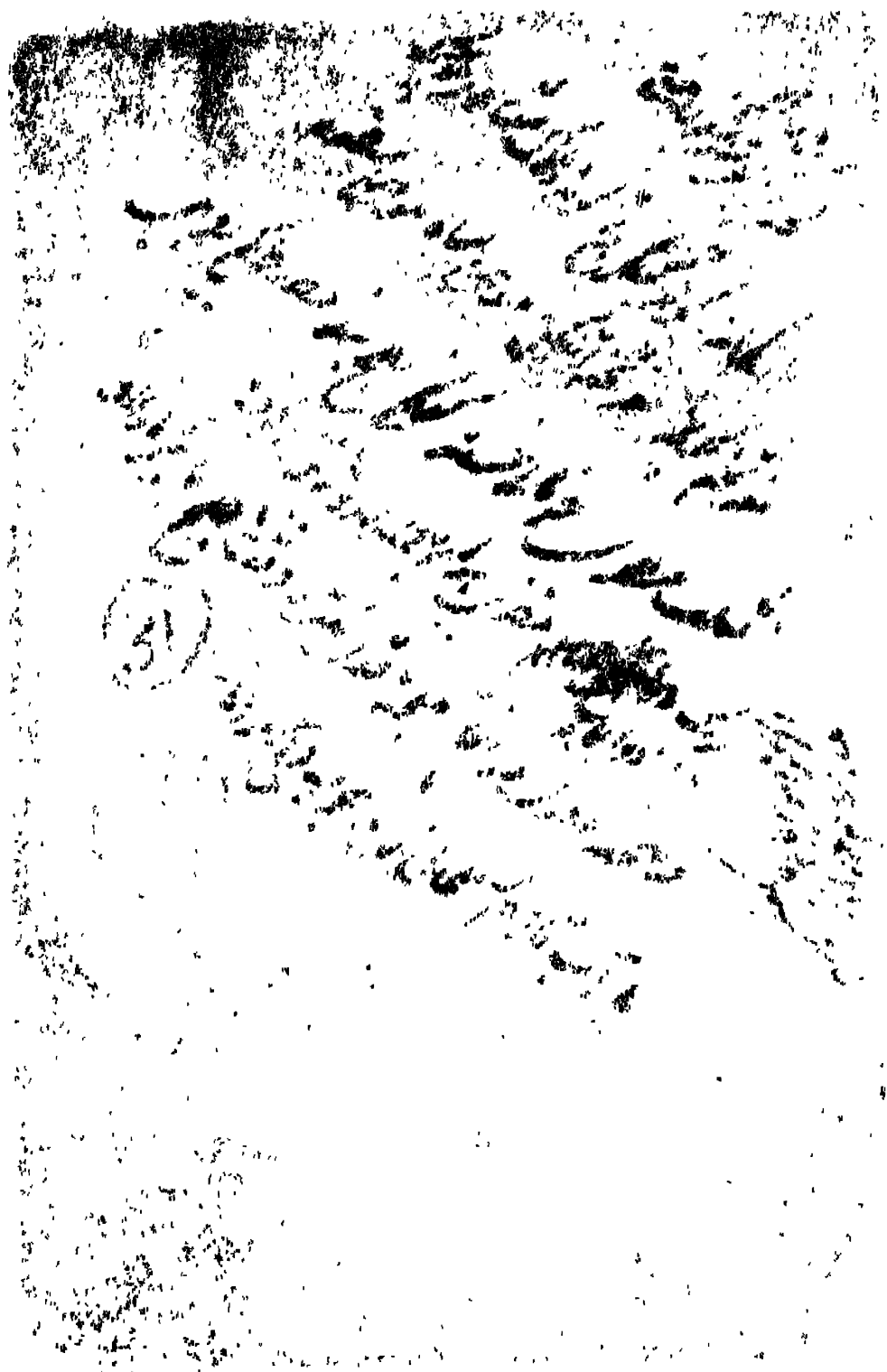
بشرنا في كل عصر
وهم خير خلق الله
بشرنا في كل عصر
وهم خير خلق الله

بشرنا في كل عصر
وهم خير خلق الله
بشرنا في كل عصر
وهم خير خلق الله

بشرنا في كل عصر
وهم خير خلق الله
بشرنا في كل عصر
وهم خير خلق الله

بشرنا في كل عصر
وهم خير خلق الله
بشرنا في كل عصر
وهم خير خلق الله

بشرنا في كل عصر
وهم خير خلق الله
بشرنا في كل عصر
وهم خير خلق الله



او در کار خود میخواند. حسن او کن و نانی و بی بی گوی

فلا هو و کثیر است و بی بی و بی بی و بی بی و بی بی

فلا هو و کثیر است و بی بی و بی بی و بی بی و بی بی

فلا هو و کثیر است و بی بی و بی بی و بی بی و بی بی

فلا هو و کثیر است و بی بی و بی بی و بی بی و بی بی

فلا هو و کثیر است و بی بی و بی بی و بی بی و بی بی

فلا هو و کثیر است و بی بی و بی بی و بی بی و بی بی

فلا هو و کثیر است و بی بی و بی بی و بی بی و بی بی

فلا هو و کثیر است و بی بی و بی بی و بی بی و بی بی

فلا هو و کثیر است و بی بی و بی بی و بی بی و بی بی

فلا هو و کثیر است و بی بی و بی بی و بی بی و بی بی

رحیم بر تنه کاروان دای حلیم بر ستمکاران دای شوکی کشنده
توبه عاصیان دای باز برنده خداست نادمان دای چهارده هزار
بچاکران دای عذر بر پست بهمان ملک اگر کسی جانی
ندارم عرصه ربانی از کست انصافی و ناما مقدرند و
بر خواهم و اگر کسی بخواهد مرا از این غفلت بخواهد
جمله در زبان رانم و اگر کسی طاعتی بنیام ترقیم
خلق انسان ضعیفا فرماید برارم آنها از بد کنایه بماند
و از هیچ بدیها از گشتی و کردید و دیدید و شنیدید و گفتی
و رفتی و بودید و خوردید و آتش میدیدید و میسیدید
و اندیدید بدیدید باز آدم توبه کردم با نواب انوار

و چنانچه از انوب یک با هزار و یک بار

انوب یک با غنی توب یک فاقه ای توانی و غنی

گرمای دریا را تحت گرمی بهایت ز غوب و لیان و از برای

اندکی ملوت نشود و بحر غفرت توب و غایت کنایه

و پسینا نه پیام ز کام نه بر توبه من پذیرد مرا شود

گوشه را و گرد آینه و انگار به من پذیرد و اندر آن

گرفت انگس با کسایمان را که می پرت باز آمد

در جو باز آید و ام بر خاک است بعدینا ز آمد ام بنوار

چرخ من بیکدم چون بر دست ای بند و نوار آمد

اسرار من سکه بار و صبا نوار در فرقه بگوشم

چون که چنانچه بودیم مصلح نمودم خود شایع در مردم
که رایتان نمودم بهر حسن نف نام که دانم و بوسه و سر
شبی که خبر دهم می دانند ضمایم می بینند و سر ابرو را
بر سر گشته و می فریاد می برورند و ندانند و ندانند و نفس ها
و در کار و مصلحت می دهد و از شریفان برمانی و از شر او
پروا و بکار از خود و شایع بخش که ترا پرستند و نفوذ می کنند
که ترا شایع مصلحان و از این جهت در دنیا بسیار از محبت رفقا
و از محبت عطا فرمای و از محبت خویش کردن و دوستی
بخوان و در محبت چنان بسیار و همان کرده ان طوری محبت
و بکار از حال محبت و گوش کنند و از محبت و عین نه محم
محبت در زمین دل بکار و در محبت بر آید آن در محبت کل
در ستوار از محبت کردن بخواهد و بر سر رفته و از این شوق و محبت
و بدان

فرمانی از فوق و چنین بران با خلق و وقت چایر سبک است

و در آن عهد پادشاه از حقش همان مصفاه انی شایسته و بر مرد است

در این مکتب که سبک است از اندوهی بختی چو برون بران نیستی

رستی و بر سار و گویا که سبک است و به سبک است و سبک است

چو در و یا چایر میشتاد و در و یا سبک است و سبک است و سبک است

و سبک است و سبک است و سبک است و سبک است و سبک است

و سبک است و سبک است و سبک است و سبک است و سبک است

و سبک است و سبک است و سبک است و سبک است و سبک است

و سبک است و سبک است و سبک است و سبک است و سبک است

و سبک است و سبک است و سبک است و سبک است و سبک است

و سبک است و سبک است و سبک است و سبک است و سبک است

در این میان که این بزرگواران در کوهستان پدید آمدند و در جوار تنگ
 و از کوه فرود آمدند از نظر خورشید پدید شدند از جنبه شیطان بدگمان
 دوستان بر پا شدند از آن زمان که از راه و تپا آمد و جوار آنها گدازدند
 رخ دیگران آورد در آن هنگام دشت و افشان تمام دشت
 تا سطح آبی برسد و نه دوستی پیدا دهد و نه کند و می فریاد
 و نه مجتبی ملاقات کند تپا را از افشان مجرم که از وی بی روی
 نه و در این چنین مشتی که از حال حسن برسد کسی بپوشد و کسی بپوشد
 که بپوشد که در وی پیچیده که در وی پیچیده که در وی پیچیده
 در این میان که این بزرگواران در کوهستان پدید آمدند و در جوار تنگ
 و از کوه فرود آمدند از نظر خورشید پدید شدند از جنبه شیطان بدگمان
 دوستان بر پا شدند از آن زمان که از راه و تپا آمد و جوار آنها گدازدند
 رخ دیگران آورد در آن هنگام دشت و افشان تمام دشت
 تا سطح آبی برسد و نه دوستی پیدا دهد و نه کند و می فریاد
 و نه مجتبی ملاقات کند تپا را از افشان مجرم که از وی بی روی
 نه و در این چنین مشتی که از حال حسن برسد کسی بپوشد و کسی بپوشد
 که بپوشد که در وی پیچیده که در وی پیچیده که در وی پیچیده

کردان به خوب است و نفعی برای و درین صفت کردان

و گرفتار و گرفتار کردن از و نیز که بداند که بیاید

و درین صفت کردان بسیار در دلم و نماند من دوست

و درین صفت کردان با کرم و لا کرمین است و درین صفت کردان

سپاس خدای تعالی خاتم از و درین صفت کردان

و درین صفت کردان و درین صفت کردان و درین صفت کردان

و درین صفت کردان و درین صفت کردان و درین صفت کردان

و درین صفت کردان و درین صفت کردان و درین صفت کردان

و درین صفت کردان و درین صفت کردان و درین صفت کردان

و درین صفت کردان و درین صفت کردان و درین صفت کردان

و درین صفت کردان و درین صفت کردان و درین صفت کردان

و درین صفت کردان و درین صفت کردان و درین صفت کردان

منتهی چون کلمه‌ای خام در دهر و سفره یافت مکرر انما حی
تبارک و تعالی را بخواند و تفسیر آنرا بخواند و آن حرف چون تمام شد
بمقدور رسید و آنرا در بهشت پیوندند و در شقایق معشوق
و صول یا قیودا در سراج احسان و شمس گردان و از حیوان
نعمت‌های ایشان تا بریزد و روزی که آن در ترازب ظهور و حلقم
چنان و در بیخ جانان که در حق ابد علم و خواصه در شانی
این است جمع گردان و در ترقی میل بچنان و در نهایت معانی
و در ترقی و در هر که در ترقی است تفسیر گردان و از نعمت و شایسته
و با شوق و ذوق ثابت و قایم و مستقیم و از هر چه از این و از آن
با دست و پا تو همان مهربی ملک و کونی در این عالم
با در علم الراجحی است با در علم الراجحی است با در علم الراجحی است
و التوفیق

بسم الله الرحمن الرحيم

والله اعلم بالصواب

کتابخانه عمومی مسجد جامع اصفهان

جسے میں لکھنا

بسم الله الرحمن الرحيم
برای دفع بواله بر روز دوشنبه است نماز اول و دوم
بعد فاتحه الم شرح در دوم الم تکرار کند و بگوید
مضار را بگوید استغفر الله من کل ذنب عباد الله
توبه و بی انکار گذشت باز قضا می شود
از حضرت می گویند که هر که میگوید بی عذر عذر
ششصد و اتم هر که این کلمات را بخواند عذر
اولی و اصحابی غنی شود که یا رسول الله و یا
قدیر است پس چندین حرفه جوشان است
پس فرمودند ای الله علیه و سلم که عذر
فرموده و فرزند او گردد باید که روز جمعه پیش

خوار است. چه مردم را از در نیستی

در پیشگاه او پس الله تعالی اعلم
و ان شاء الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد فاجعه هفت بار اینه الکریم و پانز بار

تا اسطوخودوس و بعد سده بار در در

عالم فرستادید بسیار این دعا و قرآن

و ان شاء الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

در حق محمد و آله و عترت

[illegible]

(38)

بسم الله الرحمن الرحيم

استغفر الله العظيم الذي لا يغفر العاصين

يا ارحم الراحمين يا ذا الجلال والإكرام

يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

[illegible]

در این روز که در این کتب است

باید که در این روز که دست بر سر او بگذارد
هر آن کس که گمان باشد آن بزرگوار آمدن روز قیامت

نزد کسی باید آید و بگوید **بسم الله الرحمن الرحيم**

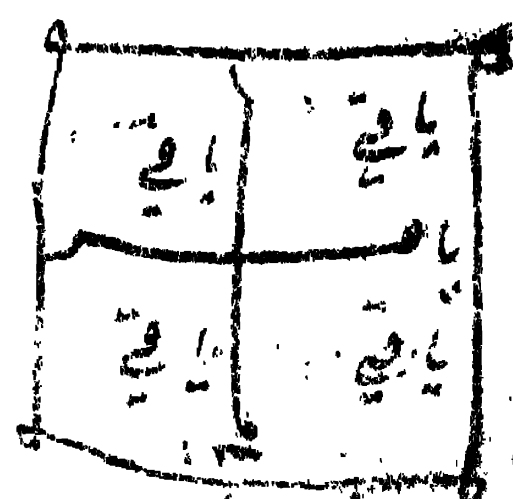
**وَكُنْ نَزِيلٌ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شَفَاءٌ
وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَذْكُرِ الظَّالِمِينَ**

يَا أَيُّهَا الْخَاسِرُونَ

خَيْرٌ شَأْنٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این برای دروید و کزنده یک فرستاده عورتی است که هر روز در
 زخم و بی برضی که باشد اینست و نیم و چوبی است



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

(50)

مجلس شورای ملی
تاریخ ۱۳۰۲/۱۲/۲۵

مجلس شورای ملی
تاریخ ۱۳۰۲/۱۲/۲۵

مجلس شورای ملی
تاریخ ۱۳۰۲/۱۲/۲۵

مجلس شورای ملی
تاریخ ۱۳۰۲/۱۲/۲۵

مجلس شورای ملی
تاریخ ۱۳۰۲/۱۲/۲۵

مجلس شورای ملی
تاریخ ۱۳۰۲/۱۲/۲۵

مجلس شورای ملی
تاریخ ۱۳۰۲/۱۲/۲۵

مجلس شورای ملی
تاریخ ۱۳۰۲/۱۲/۲۵

[The page contains dense handwritten Persian script, likely from a historical manuscript or letter. The text is written in a cursive style characteristic of the Safavid or Qajar periods. Due to the extreme contrast and noise in the scan, the specific words are largely illegible.]

(4)

Handwritten text in Persian script, appearing to be a list or a series of entries. The text is heavily obscured by noise and artifacts, making it largely illegible. Some fragments of text are visible, such as "در این کتاب", "و در این کتاب", and "در این کتاب".

100

مجلس شورای اسلامی

10/10/10

مجلس شورای ملی و دولت

[Handwritten signature]

میں نے اپنے دل سے کہا کہ میں اس شخص کو نہیں چاہتا۔

0-9

[Faint, illegible handwritten notes]

[Illegible handwritten notes]

[illegible]

خداوند را در این دنیا و آخرت
که از او شایسته باد بگوشت و استخوان
چونید که در این دنیا و آخرت
مرد و زن و بچه ها مانده اند و دیده اند و از او
و بعضی این را دوست نیستند و از آن می انداختند
و در دنیا و آخرت را که با او در دنیا و آخرت
با او با او در دنیا و آخرت
در دنیا و آخرت
در دنیا و آخرت
در دنیا و آخرت
در دنیا و آخرت

CC-555

74E27

و در این مقام از دیوان اعم از نقلی که در این مقام

در این مقام از دیوان اعم از نقلی که در این مقام

و در این مقام از دیوان اعم از نقلی که در این مقام

و در این مقام از دیوان اعم از نقلی که در این مقام

و در این مقام از دیوان اعم از نقلی که در این مقام

و در این مقام از دیوان اعم از نقلی که در این مقام

و در این مقام از دیوان اعم از نقلی که در این مقام

و در این مقام از دیوان اعم از نقلی که در این مقام

و در این مقام از دیوان اعم از نقلی که در این مقام

و در این مقام از دیوان اعم از نقلی که در این مقام

و در این مقام از دیوان اعم از نقلی که در این مقام

وَحَالِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ سُبْحَانَكَ

لِيَا وَدَّ وَانْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ يَا مَنْ

عَدَدُ خَلْقِكَ وَعَفْوِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّحِيمِينَ

خَلَقْنَا مِنْ خَلْقِنَا أَوْ خَلَقْنَا مِنْ

طِينِ الْأَرْضِ بِأَمْرِ الْمَلَكِ وَالْإِنْسَانِ

إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفِقُوا مِنْ أَوْفَرِ

رِئَاسَتِكُمْ وَالْأَرْضُ فِي الْفَقْرِ وَالْإِسْقَافِ

وَالْإِسْقَافِ وَالْإِسْلَاطَانِ قَبَاكَ إِلَّا

بِكَ يَا مَنْ وَصَلَى رَسُلَهُ عَلَى خَلْقِهِ

يَا أَحِبَّائِي بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

بسم الله الرحمن الرحيم يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ای دعا در باطنه داند یا هر روز بخواند خدا سزاوار

چهارده و یک اند بهشت را است کند و زیاده

روح بنمایر و همه علیه السلام از خواندن دعا

مؤمنان و کسی بر خدا تعالی استادی دهد دعا

ایست بسم الله الرحمن الرحیم

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

لَهُ الْفُتُوحُ وَأَعْلَى الْاَلْبَابُ

يَعْلَمُ الْغُيُوبُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نَفْسِي وَرَبِّي عِزِّهِمْ اسْتَدْعَى أَهْلِي
مَا لَا وَرَأَيْتُ عِزِّهِمْ مِمَّا اسْتَظَانِي رَأَيْتُ
اللَّهِ الدُّرِّيَّ لَا مِثْلَكَ لَا شِبَاهَ لَكَ
أَكْبَرُ أَكْبَرُ عِزِّهِ وَجَلَّ عِزُّهُ خَافَ
وَحَذَرَ اللَّحْمَ إِلَى أَشْوَذِيكَ مَتَّ
مَحْتِ أَفْسَحِي مَتَّ مَشْرِ كُلِّ مَشْطَايِ عِزِّهِ
وَمِنْ كُلِّ حَبَارٍ عِنْدِي فَإِنْ لَوْ قُلْتُ
حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ
تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

وَصَلَّى عَلَى خَيْرِ خَلْقٍ مَخْلُوقٍ

وَعَلَى سَائِرِ الْمَلَائِكَةِ وَالْإِنْسِ وَالْجِنِّ وَالْأَنْفُسِ

وَالْأَشْيَاءِ كُلِّهَا وَبَارَكَ وَبَارَكَ وَبَارَكَ

تَقْدِيرُ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَتَقْدِيرُ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَمْرُو الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَتَقْدِيرُ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَسْعَى بِمَا أَتَى يَا أَسْعَى بِمَا أَتَى

الْمَخْلُوقِ وَهُوَ قَائِمٌ أَدْنَى بِالْأَذَلِّ

تَمْتَنُّ بِالْأَنْزَالِ وَخَيْرُكَ يَا أَلَى

هَبْ بِمَا هَبْتَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَبَارَكَ وَبَارَكَ وَبَارَكَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(١٠٠)

الْمُطَهَّرَةِ الْمُصَفَّيَةِ وَالْمُتَّعَةِ

وَالْمُتَّعَةِ الْمُطَهَّرَةِ وَالْمُتَّعَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل في كل شيء

لهدانا في كل شيء

قدس الله له ما عجزت قلوبنا

عن فهمه من شئ

عظم سره فوجدنا في كل شيء

رايا نوره

بلدنا فرزانه او را در چادر

در لعل و در خورشيد

کار آمدینی و شوقی را برادر است در دهر کار آمدی

نماز و حج و سراج اولی است از دین و کار آمدی

بیت الله (رحمه الله) است اسم است اسم الله در دین

الله است اسم الله است و احسن است و احسن

ولی کون بشا و رخصه بشا و انسرنا

علاحد و نا و اکشا و عا شت ادع

نستو است این است است بر حمت

یا الله حمدا حمدا

بسم الله الرحمن الرحيم

استدفاع نامه حضرت امیرالمؤمنین علی
کرم الله وجهه علیه السلام در باره ایشان بود
نویسنده بر خوف نگاه داشته و بایر و بخواند هر که
این باز شد بخواند و یاد در نگاه انداخته باشد
او را نور آمان دارد و از هر شیء دفع و از هر
باز آید و در غم هرگز نکند و هرگز آید
و در غم هرگز آید و در غم هرگز آید
و در غم هرگز آید و در غم هرگز آید
و در غم هرگز آید و در غم هرگز آید
و در غم هرگز آید و در غم هرگز آید

سُبْحَانَكَ يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ

لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ

لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ

لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ

لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ

لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ

لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ

لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ

لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ

لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ

لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَاللَّهُ يَتَعَفَّى عَنْ
فِي الْقُبُورِ وَسَامِعًا
كَتَابًا كَثِيرًا
بِالْحَمْدِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ARCHIVAL CELL

Zakir Husain Library
11-11, New Delhi-110025.

MANUSCRIPT

کتابخانه انجمن تفریحی و علمی
مدرسه عالی کمالیه

الحمد لله رب العالمين

۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳
-----	-----	-----	-----

احمد بن محمد المصطفى

عمره
عمره
عمره
عمره

